

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران

جلسه هفتم - اصول تربیت قسمت اول

ادامه مبحث اصول تربیت

- ۹- حفظ و ارتقای کرامت
- ۱۰- عدالت تربیتی
- ۱۱- یک پارچگی و انسجام
- ۱۲- پویایی و انعطاف پذیری (ضمن حفظ اصول)
- ۱۳- تعامل همه جانبه
- ۱۴- مشارکت و هماهنگی
- ۱۵- پاسخ گویی و نظارت
- ۱۶- تقدم مصالح تربیتی
- ۱۷- توجه به فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی
- ۱۸- آینده نگری

۹- حفظ و ارتقای کرامت

باید در فرایند تربیت، کرامت ذاتی^۱ همه افراد مرتبط با این جریان حفظ و زمینه ارتقای آن^۲ فراهم گردد. بنابراین لازم است همه فعالیت‌های تربیتی چنان سامان یابند که نه تنها کرامت ذاتی همه افراد مرتبط با تربیت (اعم از مربیان، متربیان و اولیای ایشان) حفظ شود (به گونه‌ای که نسبت به هیچ کس ولو افراد خطاکار با رعایت ارزش‌های انسانی و اسلامی مندرج در نظام معیاراسلامی، برخوردی تحقیرآمیز صورت نگیرد) بلکه لازم است همه افراد با احساس ارزشمندی و عزت نفس، زمینه پاسداشت کرامت خود و دیگران را فراهم آورند. هم چنین باید ترتیبی اتخاذ شود که افراد بکوشند علاوه بر حفظ کرامت خدادادی، با ایمان (انتخاب آگاهانه و آزادانه نظام معیاراسلامی) و انجام مداوم عمل صالح (منطبق با نظام معیار اسلامی) در صدد ارتقای مداوم و اختیاری کرامت خود برآیند.

۱۰- عدالت تربیتی

رعایت عدالت تربیتی مهم‌ترین نقش را در پیشرفت عدالت همه‌جانبه و پایدار اجتماعی بر عهده دارد؛ اما عدالت تربیتی هرگز به معنای برابری و مواجهه یک سان با همهٔ متربیان و نادیده گرفتن خصوصیات متفاوت آنان نیست بلکه برای برقراری عدالت تربیتی، عنایت به ویژگی‌های مشترک و متفاوت متربیان و مربیان و توجه به کوشش آنان و نتایج آن ضروری است. از این رو در فرایند تربیت، از سویی باید فرصت‌های برابری برای همگان با توجه به ویژگی‌های مشترک- فراهم آورد و از سوی دیگر باید تفاوت‌های فردی (بین فردی و درون فردی)، فرهنگی و اجتماعی را در ارائهٔ تربیت کیفی برای همهٔ متربیان مورد ملاحظه قرار داد.

۱۱- یک پارچگی و انسجام

در فرایند تربیت (به منزله‌امری واحد و یک‌پارچه)، باید ضمن توجه به هر یک از اجزاء، ابعاد، انواع و ساحت‌های تربیت و قبول مشارکت عوامل و نهادهای گوناگون در آن، با نگاه جامع و یک‌پارچه، از یک‌سونگری و حصر توجه به برخی مؤلفه‌ها و تفکیک عناصر این فرایند پرهیز کرد. برنامه‌های تربیتی باید بر وحدت‌گرایی معرفت‌شناختی استوار شوند. هم‌چنین برنامه‌های تربیتی باید بر وحدت‌گرایی جامعه‌شناختی تکیه داشته باشند؛ یعنی بر تلفیق زیرسازها (مبانی و دیدگاه‌های اجتماعی) با ساختارها و سازوکارهای اجتماعی، اهتمام به عبور از تفاوت و تکرر به بنیاد مشترک و یگانه، ملاحظه‌فرد در جامعه، توجه به تأثیر جامعه در تکوین فرد و در عین حال ملاحظه‌ویژگی‌های فردی در بستر خصلت‌های مشترک استوار باشند. البته این تأکید بر انسجام و یک‌پارچگی نباید به معنی انکار هرگونه تفاوت و تنوع در میان اجزاء و مؤلفه‌های فرایند تربیت و طرد امکان هر نوع ابداع و نوآوری در روش‌ها و برنامه‌های تربیتی باشد.

۱۲- پویایی و انعطاف پذیری (ضمن حفظ اصول)

در فرایند تربیت باید، ضمن توجه به امور ثابت و مسلم، با پدیده تغییر در جامعه و فرد مواجهه‌ای فعال صورت پذیرد. به این معنا که با پذیرش اصل وجود تغییر در شرایط اجتماعی و خصوصیات فردی، ظرفیت هدایت تغییرات در نظام تربیتی در جهت تحقق غایت تربیت پدید آید. هم‌چنین، تمامی سیاست‌ها، برنامه‌ها و روش‌ها و عوامل تربیتی؛ در فرایند تربیت، ضمن حفظ اصول، باید متناسب با اقتضائات و موقعیت‌های خاص مربیان و متربیان از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار باشند.

۱۳- تعامل همه جانبه

تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان و شکل‌گیری و پیشرفت جامعه صالح باید حاصل عمل تعاملی و مداوم متربیان با مجموعه‌ای از افراد به نام مربی باشد، که نقش فعال و تأثیرگذار هر دو دسته در تحقق این عمل و به نتیجه رسیدن آن امری اساسی و غیرقابل انکار است. اما این فرایند تعاملی در خلأ صورت نمی‌گیرد و لاجرم مجموعه‌ای از عوامل روانی (استعدادها، علائق، انگیزه‌ها و تجارب شخصی)، اجتماعی (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی)، طبیعی (وراثتی، زیستی، جغرافیایی) و ماورای طبیعی (نظیر هدایت‌ها و توفیقات خاصی که بر اثر ایمان و اخلاص، عبادت و دعا، توسل و توکل، صدقه و عمل صالح نصیب برخی می‌شود) در کم و کیف نتیجه بخشی این عمل البته بر اساس مشیت بالغه الهی مؤثر هستند، چنان‌که تحقق این تأثیر بنا بر مشیت الهی از دیگر سو متوقف بر اراده و انتخاب متربیان و نحوه مواجهه ایشان با این عوامل بیرونی است.

۱۴- مشارکت و هماهنگی

همهٔ ارکان و عوامل اجتماعی سهیم و تأثیرگذار در فرایند تربیت، باید به منزلهٔ اساسی‌ترین مجرای تحقق حیات طیبه، افزون بر مشارکت در پشتیبانی فعال از این فرایند، پس از تقسیم وظایف، با یکدیگر تعامل و همکاری فعال داشته باشند. همچنین باید میان عوامل تأثیرگذار در تربیت در زمینهٔ سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا، هماهنگی و هم‌سویی کامل برقرار باشد. بنابراین خانواده، اجزا و بخش‌های مختلف دولت اسلامی، رسانه و نهادهای سازمان‌های غیردولتی پشتیبان و تأثیرگذار در فرایند تربیت، باید ارتباط معنادار و هدفمندی را با هم در جهت تحقق غایت تربیت برقرار کنند.

۱۵- پاسخ‌گویی و نظارت

باید علاوه بر آن که تحقق شایسته فرایند تربیت بر اساس نظام معیار و اقتضائات آن تکلیف الهی تلقی شود، به لحاظ نقش و جایگاه بی‌نظیر آن در بهبود و پیشرفت پایدار جامعه نیز، مسئولیتی اجتماعی و همگانی به شمار آید. از این‌رو لازم است از سویی همه عوامل سهیم و تأثیرگذار و مرتبط با امر تربیت، نسبت به عملکرد خود پاسخ‌گو باشند و مسئولیت آثار تربیتی اقدامات خویش را بپذیرند و از دیگر سو باید عملکرد مجموعه عوامل سهیم، تأثیرگذار و مرتبط با امر تربیت مورد نظارت و پایش مداوم قرار گیرد. به این منظور باید مسئولیت و تکالیف مرتبط با هر یک از عوامل سهیم و مؤثر در امر تربیت مشخص شود و فرایند تربیت و همه مؤلفه‌ها و عناصر آن مورد ارزش‌یابی مستمر واقع شوند تا به‌طور مستمر بهبود یابند.

۱۶- تقدم مصالح تربیتی

با عنایت به جایگاه ویژه جریان تربیت در میان زمینه‌های تحقق حیات طیبه و نقش تربیت در موفقیت همه نهادها و عوامل اجتماعی، باید مصالح تربیتی شناسایی و ملاک اصلی در تمام تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی قرار گیرد و همه عوامل تأثیرگذار در فرایند تربیت، به‌ویژه ارکان تربیت در مقام تراحم بین جنبه‌های مختلف مربوط به فعالیت خود، اهتمام جدی به امر تربیت داشته باشند. این گونه اولویت‌بندی و تقدم باعث می‌شود تا انسان و تکوین و تعالی مداوم هویت او به منزله محور تحقق حیات طیبه، جایگاهی خاص در روند پیشرفت همه‌جانبه و پایدار جامعه اسلامی بیابد و از هیچ‌گونه هزینه‌ای برای بهبود کیفیت فرایند تربیت مضایقه نشود.

۱۷- توجه به فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی

فرایند تربیت به منزلهٔ عملی اجتماعی، لاجرم در بستر فرهنگ جامعه و به پشتیبانی آن صورت می‌گیرد و از این رو انتقال فرهنگ و ارتقای آن از کارکردهای اصلی جریان تربیت به شمار می‌آید. لذا بهره‌مندی مناسب از ذخایر ارزشمند فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی در همهٔ مراحل و انواع تربیت و نیز زمینه‌سازی برای تعامل فعال فرهنگ بومی با دیگر فرهنگ‌ها، از مهم‌ترین سازوکارها برای تکوین و تعالی هویت ملی متربیان خواهد بود.

۱۸- آینده نگری

تربیت در عین توجه به گذشته فرد و جامعه و شرایط فعلی آنها اساساً رو به سوی آینده دارد و تدبیری جمعی برای ساختن و پرداختن آینده جامعه انسانی است؛ از این رو مربیان در همه سطوح سیاست گذاری، برنامه ریزی و عمل نه تنها لازم است با انجام مطالعات آینده پژوهی و، به پیش بینی نسبتاً دقیق و واقع بینانه‌ای از آینده جامعه و چالش‌های پیش رو دست یابند بلکه ضرورت دارد با اتخاذ رویکردی فعال و آینده نگرانه (تبیین آینده مطلوب) نسبت به تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آینده، راهبردهای تربیتی مناسبی را در جهت مواجهه نظام تربیتی و مربیان با چالش‌های پیش رو و استفاده از نقاط قوت و فرصت‌ها و تبدیل تهدیدها و نکات ضعف به فرصت‌ها و نقاط قوت، طراحی و اجرا نمایند.

فعالیت

- برخی مناسبات و برنامه های مدرسه خودتان در دوره متوسطه را بیان و آن ها را از منظر اصول عام تربیت نقد کنید.

- منبع: کتاب مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران